

معرفی کتاب

# برآمدن و فرمانروایی تیمور

ناصر یادگاری

فصل چهارم - لشکر پیروز تیمور؛ الوس جفتای  
 فصل پنجم - لشکر پیروز تیمور؛ بیگانگان و مغولان  
 فصل ششم - ساخت و کارکرد دیوانسالاری تیمور  
 فصل هفتم - جنگ جانشینی  
 فصل هشتم - نتیجه پیوست A؛ نیروهای الوس جفتای  
 پیوست B. اعضای خاندان تیمور  
 پیوست C. ساختار صوری دیوانسالاری  
 فصل یکم - دیباچه

در این فصل ابتدا مؤلف به معرفی و کلیاتی از اقدامات تیمور می پردازد و می نویسد که «تیمور چونان گردبادی از اوراسیا وزیدن گرفت و در سراسر جهان، نامی آشنا از خویش بر جای گذارد، «تامرلان» در زبان ترکی غالباً با نام تیمور مشهور است، تامرلان، تلفظ غربی نام او از نامگذاری فارسی او یعنی تیمور لنگ گرفته شده است، تیمور گویا در دهه های بیست و دو ۱۳۲۰/۷۲۰ یا سی و سه ۱۳۳۰/۷۳۱ در ماوراءالنهر در نزدیک سمرقند به دنیا آمد.<sup>۱</sup>

دوران فرمانروایی تیمور در تاریخ خاورمیانه واسپت ماوراءالنهر، نقطه عطفی در خور نگرش در هر یک از آنان به شمار می رود.<sup>۲</sup> در بخش دوم این فصل مؤلف به طرح میراث ترکی - مغولی می پردازد و معتقد است که «اتحادیه قبایلی که تیمور بر بنیاد آن به قدرت رسید و نیز جهانی که او تسخیر کرد دستاوردهای امپراتوری مغول بودند و تاریخ مغول و سنت هایش، اهداف، روشها و اندیشه او را معین کردند.»<sup>۳</sup>

موضوع بخش بعدی فصل یکم جهان ترکی - مغولی در زمان تیمور می باشد که ضمن آن چنین نظر می دهد:

زمانی دیوید مورگان مؤلف کتاب ایران در قرون وسطی نوید انتشار این کتاب را داده و اظهار کرده بود، هنگامی که کتاب B.F. manz با عنوان the Rise and Rule of Tamerlane منتشر شود کتاب معیار در مورد تیمور خواهد بود.<sup>۴</sup>

این نوید با انتشار همان کتاب در سال ۱۹۹۰ م. چهره بست و به تازگی برگردان فارسی آن به ترجمه استاد منصور صفت گل در اختیار پژوهندگان رشته تاریخ و علاقمندان قرار گرفته است.

تاریخ برآمدن و فرمانروایی تیمور، در واقع نخستین پژوهش روشمندی درباره تیمور لنگ است. پژوهشی عالمانه درباره یکی از چهره های اصلی آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپای شرقی، که موضوعاتی نو را مورد بررسی قرار می دهد و مطالعه آن برای همه دانشجویان و متخصصان تاریخ به ویژه متخصصان تاریخ عصر تیموری ضروری است.<sup>۵</sup> و مترجم اثر آقای دکتر صفت گل با علم به این ضرورت به نحو شایسته ای آن را به فارسی برگردانده اند.

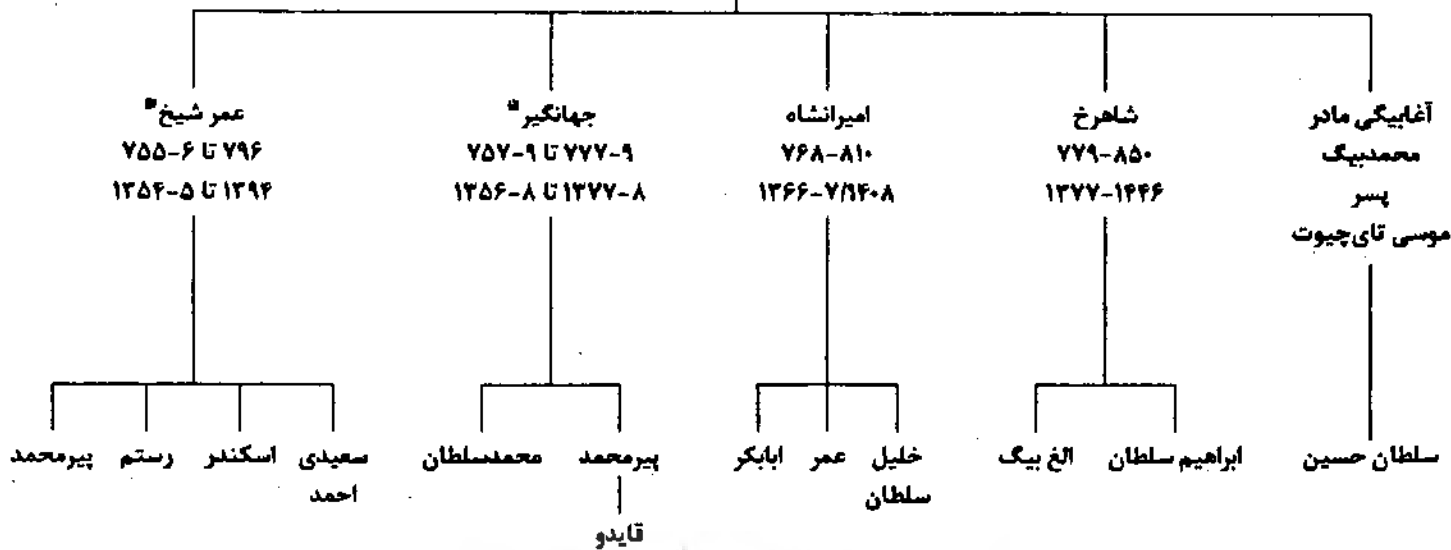
تاریخ فرمانروایی تیمور نوشته پروفیسور منز در نوع خود پژوهشی همه سویه است که توانسته روند روی کار آمدن و فرمانروایی تیمور را با بهره گیری از منابع دست یکم و پاره ای پژوهش های جدید، بررسی کند.<sup>۶</sup> کتاب شامل دیباچه مترجم و سیاستنامه مؤلف و هشت فصل و سه پیوست و یادداشت های مؤلف و کتابشناسی و نمایه اعلام می باشد که هشت فصل و سه پیوست آن به شرح زیر می باشد:

فصل یکم - دیباچه  
 فصل دوم - الوس جفتای در میانه سده چهاردهم  
 فصل سوم - برآمدن تیمور: روش سیاسی الوس جفتای



- برآمدن و فرمانروایی تیمور
- تاریخ ایران و آسیای مرکزی در سده های هشتم و نهم هجری
- تألیف: بناتریس فوربز منز
- ترجمه: منصور صفت گل
- ناشر: رسا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۳۲۸ ص.

## تیمور



اعضای خانواده تیمور

◀ تیمور برای استواری جایگاهش، خود را پشتیبیان چنگیزیان وانمود ساخت و ایجاد مشروعیت از راه پیوند با چنگیزیان برای تصدیق فرمانروایی تیمور بسنده بود.

«دنیای عصر تیمور، دنیایی بود که نیروی صحراگردی در آن فوق‌العاده مهم باقی ماند، ضمن اینکه قدرت چنگیزیان رو به انحطاط می‌رفت، سنت‌های مغولی سرچشمه نیرومند مشروعیت باقی ماند.»<sup>۷</sup>

در ادامه بحث، مؤلف به فرمانروایی تیمور پرداخته و به مراحل مقدماتی گسترش جویی و قدرت‌یابی تیمور اشاره نموده است. مشروعیت فرمانروایی تیمور، موضوع بخش بعدی این فصل است که طی آن مؤلف چنین طرحی را پرورانیده است که «تیمور برای استواری جایگاهش، خود را پشتیبیان چنگیزیان وانمود ساخت و ایجاد مشروعیت از راه پیوند با چنگیزیان برای تصدیق فرمانروایی تیمور بسنده بود.»<sup>۸</sup>

دیگر بخش این فصل به شخصیت تیمور پرداخته است. که طی آن به بررسی و تحلیلی درباره شخصیت و عقاید تیمور و توانایی و دل‌بستگی‌ها و باورهای مذهبی او و آزمندی وی به قدرت پرداخته است. و اما واپسین بخش فصل یکم را مؤلف به تبیین هدف این پژوهش اختصاص داده و از جمله هدف‌های آن را چنین بیان داشته است: «در این پژوهش می‌کوشم تا سازماندهی را که در پی تکاپوهای سیاسی الوس جغتای برجای ماند و پیروزی‌های دوره تیموری را در پی داشت بررسی کنم و مسئله سلطه و نظارت که کانون توجه این پژوهش است، برای خود تیمور هم مسئله اصلی بود. این پژوهش پژوهشی است درباره شیوه نظارت بر قبیله و اتحادیه قبیله‌ای و ستیزه میان روش‌های سیاسی و مسئله نظارت که تاریخ فرمانروایی استثنایی را ارائه می‌کند که توانایی گردآوردن انبوهی از نیروهای شخصی را داشت و می‌توانست جامعه زیر فرمانش را به ابزاری در جهت آرزوهای شخصی خویش تبدیل

یک قبیله و ارتباط آن با دیگر قبائل و میان رهبران فراقبیله‌ای است. من تاریخ قبایل را در دوره‌ای در خور توجه، یعنی پیش از برآمدن تیمور تا ستیزه جانشینی پس از مرگش تشریح خواهیم کرد و می‌کوشم مشخص کنم که چگونه آنان با گذر الوس جغتای به قلمرو تیموری دگرگون شد.»<sup>۱۲</sup> و بدین مناسبت‌ها به بحث درباره الوس جغتای پرداخته است.

**فصل سوم: برآمدن تیمور: روش سیاسی الوس جغتای**  
موضوع فصل سوم برآمدن تیمور است. که در مرحله نخست مؤلف به بررسی زندگی سیاسی الوس جغتای که بر محور قبیله‌ها بود می‌پردازد و بدنبال آن در بخش دوم رویدادهای الوس جغتای، پیش از برآمدن تیمور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

طی بخش سوم برآمدن تیمور را از جنبه تاریخ نقلی مورد بررسی قرار داده و موضوع بخش چهارم این فصل تیمور؛ رهبر الوس جغتای است.

بدین ترتیب در دو فصل پیشین مؤلف و دوره نخستین زندگی تیمور را مورد بررسی قرار داده و متذکر می‌شود که «در دوره‌های یاد شده تیمور ماهرانه در نظامی سیاسی روزگار سپری کرد که قبایل الوس جغتای بر آن مسلط بودند. او نخست در بدست آوردن قدرت و از آن شگفت‌تر در حفظ آن کامیاب شد.»<sup>۱۳</sup>

**فصل چهارم: لشکر پیروز تیمور: الوس جغتای**  
مؤلف در این فصل گذر به مرحله بعدی عصر تیمور و لشکرکشی‌های بزرگ او را بررسی می‌کند و می‌کوشد روشن بکند که تیمور چگونه فرمانروای الوس جغتای و فاتح سرزمین‌های گسترده گشت. در بخش دوم این فصل تحت عنوان شکل‌گیری یک گروه نخبه جدید، نویسنده آورده است: «فتوحات بزرگ تیمور نه تنها کار نبوغ برتر جنگی او، بلکه نتیجه تکاپوی یک

کند.»<sup>۹</sup>  
فصل دوم: الوس جغتای در میانه قرن چهاردهم؛ در مقدمه این فصل نویسنده این نظر را مطرح می‌کند که «برای بررسی زندگی تیمور، شناخت الوس جغتای اهمیتی عمده دارد تیمور از دل همین الوس به قدرت رسید.»<sup>۱۰</sup> از طرفی «تاریخ الوس جغتای زمینه ارزنده‌ای برای بررسی ترکیب و ساختار اتحادیه قبایلی ایجاد می‌کند... و ما می‌توانیم بخش‌های سازنده این اتحادیه را تجزیه و تحلیل کرده، ساختارهای مختلف و پویایی نظام سیاسی را در آن مشاهده کرده و حتی در بعضی زمینه‌ها، نشانی از تحول هویت خودآگاه را در آن مشاهده کنیم.»<sup>۱۱</sup> بر همین اساس نویسنده در بخش‌های مختلف همین فصل به شکل‌گیری الوس جغتای، نیروهای درونی الوس جغتای، ساختار قبایل، نیروهای غیرقبیله‌ای، صحراگردان و یکجانشینان پرداخته است. و نوشته که «یکی از نخستین اهداف این کتاب بررسی پویایی سیاست‌های قبیله‌ای، پیوند درون

لشکر منظم و بی‌نهایت وفادار نیز بود، آنان نیروهایی سامان داده شده و متمرکز بودند که از سوی افرادی رهبری می‌شدند که شخصاً به تیمور وفادار بودند.<sup>۱۴</sup>

موضوع بخش سوم از فصل چهارم نیروهای الوس جغتای و انحطاط آنان است که در ضمن آن به بیان برخورد تیمور با نیروهای الوس جغتای و رؤسای آنان پرداخته است. در بخش چهارم این فصل الوس جغتای به مثابه سپاهی فاتح معرفی شده و نویسنده معتقد است که «بهترین نام برای سپاهی که تیمور بر آن فرمان می‌راند، سپاه فاتح است».<sup>۱۵</sup>

در واپسین بخش از فصل چهارم به تشریح لشکرهای شاهزادگان پرداخته شده و دگرگونی‌هایی که تیمور در ساختار قدرت الوس جغتایی به تدریج در دوازده سال اول فرمانروایی خویش ایجاد کرد و سپس روند انتقال قدرت را به طور بنیادی تکمیل ساخت بررسی شده است.

**فصل پنجم؛ لشکر پیروز تیمور؛ بیگانگان و مغلوبان.**

در این فصل مؤلف «موقعیت مغلوبان را در سپاه تیمور و قلمرو فرمانروایی او بررسی می‌کند و می‌کوشد بدین پرسشها پاسخ گوید: آنان چگونه به جنگ برده می‌شدند، چگونه مهار می‌شدند و چگونه واقعاً بخشی از سپاه تیمور گشتند؟»<sup>۱۶</sup>

بخش اول این فصل چگونگی انقیاد یکجانشینان را توضیح می‌دهد و در بخش دوم شیوه سپاهی‌گیری و به کارگیری جنگجویان بیگانه را مورد بحث قرار می‌دهد و به بررسی چگونگی به کارگیری همگانی سپاهیان اختصاص دارد که از قلمرو جدید تیمور فراخوانده می‌شدند.<sup>۱۷</sup>

بخش آخر این فصل هم به بررسی وضع صحراگردان مناطق تسخیرشده و برخورد تیمور با آنان اختصاص دارد. نویسنده معتقد است: «تیمور با صحراگردان مناطق تسخیر شده محتاطانه برخورد نموده و ابتدا آنها را از قدرت قبیله‌ای خود محروم کرد. تیمور با چادرنشینان الوس چنین کرده اما نتوانست با همه چادرنشینان سرزمینهای تازه خویش چنین رفتاری داشته باشد».<sup>۱۸</sup>

**فصل ششم؛ ساختار و کارکرد دیوانسالاری تیمور**

**فصل ششم با عنوان ساختار و کارکرد دیوانسالاری تیمور در سه بخش مجزا به بررسی و تحلیل اهمیت ساختار - نظارت بر دیوانسالاری و جایگاه اجتماعی جغتایان پرداخته که خلاصه‌ای از آن - فصل ششم - بدست داده می‌شود: «تیمور تقریباً همه دوران طولانی فرمانروایی خود را به لشکرکشی گذراند و نکوشید ساختار حکومتی جدید و جامعی بنا نهد، او نیز همانند دیگر رهبران جوامع پیش از دوران نونه به کمک نهادها بلکه به یاری آدم‌ها فرمانروایی کرد، حکومت تیمور فردی بود و طرح کلی دیوانسالاری**

◀ «تامرلان» در زبان ترکی غالباً با نام تیمور مشهور است، تامرلان، تلفظ غربی نام او از نامگذاری فارسی او یعنی تیمور لنگ گرفته شده است.

◀ تاریخ برآمدن و فرمانروایی تیمور در واقع نخستین پژوهش روشمند درباره تیمور لنگ است.

◀ تیمور نیز همانند دیگر رهبران جوامع پیش از دوران نونه به کمک نهادها بلکه به یاری آدم‌ها فرمانروایی کرد

تیمور همانند دیگر حکومت‌های چادرنشین پیش و پس از آن بود، او وارث دو نظام پیشرفته حکومتی ترکی - مغولی و عرب (اسلامی) - ایرانی بود و تیمور این دو نظام را در هم آمیخت و بانیازهای خویش سازگار کرد. - در حکومت تیمور - آنچه که اهمیت دارد این است که دیوانسالاران ایرانی از زمان‌های دور با فرمانروایان ترکی - مغولی تجربه همکاری داشتند بنابراین برای همکاری نزدیک بین ایران جغتایی و دیوانسالاران ایرانی مانعی وجود نداشت، در مسئله نظارت، تیمور نیازی به بکارگیری دیوانسالاری ایرانی برای کاهش قدرت هواداران چادرنشین خود نداشت زیرا وی ابزارهای مؤثری برای نظارت بر ایشان ساخته بود و از طرفی تیمور برای نظارت بر دیوانسالاران ایرانی از هواداران جغتایی خود بهره برد و قدرت خویش را از طریق نظارت منظم بر یک مجموعه از مناصب و مراتب نامشخص بهبود بخشید».<sup>۱۹</sup>

**فصل هفتم؛ ستیزه‌های جانشینی**

در فصل هفتم مؤلف به بررسی و تحلیل وضعیت سیاسی پس از مرگ تیمور پرداخته و بر آن است که نه تنها یک جنگ جانشینی بلکه چندین جنگ جانشینی را برشمرده و به بررسی وقایع نواحی مختلف قلمرو تیموری همچون ماوراءالنهر و خراسان و آذربایجان می‌پردازد، وقایعی که پس از فیصله یافتن مسئله جانشین، کوچک و فقیر شده بود.<sup>۲۰</sup>

**فصل هشتم؛ نتیجه**

فصل هشتم به نتیجه‌گیری نویسنده اختصاص دارد و در ضمن آن به یادآوری پرسش‌های بنیادی که در کتاب مطرح ساخته و کوشیده بدان‌ها پاسخ بدهد، پرداخته و متذکر می‌شود که بخش عمده این کتاب، پژوهش در این باره بود که: «تیمور فعالیت سیاسی را چگونه سرکوب کرد و این امر برای جامعه‌ای که او فرمان می‌راند چه مفهومی داشت. همچنین به تبیین شیوه‌های سیاسی قبیله‌ای الوس جغتای و مسئله رهبری قبیله و جایگاه ساختارها و نهادها و بنیادهای ساختاری آن پرداخته و اقدامات تیمور در کسب مشروعیت و حفظ موقعیت و ایجاد تغییر در رویه‌های سیاسی را یادآور شده است و معتقد است که اگر تیمور قدرت کمتری داشت، جانشینانش موفقتر می‌بودند».<sup>۲۱</sup>

همانگونه که اشاره شد کتاب دارای سه پیوست می‌باشد که در پیوست A به معرفی نیروهای الوس جغتایی اعم از آپاردیان، ارلاتها، بدخشان، برلاسینان، بسودیان، بوروبلای، جلاپریان، امیران ختلانی، قرا اوتاس و قرچین و سلدوز و یساوروی پرداخته است.

موضوع پیوست B شناساندن اعضای خاندان تیموری می‌باشد و در پیوست C نویسنده به تشریح ساختار رسمی دیوانسالاری تیمور اعم از دیوانسالاری ایرانی و کارگزاران دیوانها و صاحب دیوان و سایر مناصب درباری و نظامی و مراتب عهد تیموری پرداخته است.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. مورگان، دیوید: ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، ج ۱، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۲۴۰.
۲. منز، بتاتریس فوربز: برآمدن و فرمانروایی تیمور، ترجمه منصور صفتگل، ج ۱، تهران، رسا، ۱۳۷۷، (نقل از پیوست ادبی تایمز مندرج در روی جلد)
۳. منز، بتاتریس فوربز، ص ۶ (مقدمه مترجم)
۴. همان، ص ۱.
۵. همان، ص ۲.
۶. همان، ص ۷.
۷. همان، ص ۱۶.
۸. همان، ص ۱۹.
۹. همان، صص ۲۶-۲۸.
۱۰. همان ص ۲۹.
۱۱. همانجا.
۱۲. همان، صص ۴۰-۴۱.
۱۳. همان، ص ۹۱.
۱۴. همان، ص ۱۰۲.
۱۵. همان، ص ۱۱۶.
۱۶. همان، ص ۱۲۷.
۱۷. همان، ص ۱۳۶.
۱۸. همان، ص ۱۵۰.
۱۹. همان، صص ۱۵۱-۱۶۷. دیده شود.
۲۰. همان، ص ۲۰۵.
۲۱. همان ص ۲۱۴.